



اسرائیل به هدف افزایش تنش نخواهد رسید

عباس عراقچی، وزیر امور خارجه در بدو ورود به نیویورک در گفت‌وگو با رسانه‌ها گفت: نشست امسال مجمع عمومی سازمان ملل در شرایط ملتهب غرب آسیا در حال برگزاری است؛ در شرایطی که منطقه با افزایش هرروزه تنش و اقدامات تروریستی و جنایتکارانه اسرائیل علیه مردم فلسطین در غزه، کرانه باختری و لبنان مواجه است، طبیعی است که جنایت‌های رژیم صهیونیستی به خصوص جنایت‌هایی که در دو سه روز گذشته صورت داده، موضوع اصلی گفت‌وگوها خواهد بود. دیدارهای دوجانبه‌ای که هم بنده و هم رئیس‌جمهور محترم خواهند داشت، دیدارهای موازنی است. موضوعات متعددی علاوه بر روابط دوجانبه که همیشه موضوع گفت‌وگو است، بحث مسائل منطقه، بحران‌های بین‌الملل مانند بحران اوکراین و بحث مذاکرات هسته‌ای و مسائل دیگر نیز مطرح است. سیاست جمهوری اسلامی ایران همواره مقابله با سیاست یکجانبه‌گرایی آمریکا و کلا کشورهای غربی که دنبال زیاده‌خواهی‌های خودشان و ادامه سیاست‌های استعماری گذشته در شکل جدیدی هستند، بوده است و این سیاست ما ادامه پیدا خواهد کرد. عراقچی تأکید کرد: اسرائیل به هدف افزایش تنش نخواهد رسید. ما با دقت اقدامات و جنایات رژیم صهیونیستی را رصد و سیاست‌های خود را تنظیم می‌کنیم. رژیم اسرائیل قطعاً به اهداف خود برای افزایش تنش و جنگ نخواهد رسید ولی پاسخ جنایت‌های خود را خواهد گرفت.

ادامه سر مقاله

اولین شرط، پذیرش واقعیت دولت-ملت در ساختار کنونی نظام جهانی است. دومین شرط، کوشش برای اتحاد درونی کشورها مبتنی بر خواست عمومی مردم هر کشور است. شرط سوم، رسیدن همه کشورها به حدی از توسعه اقتصادی است. امکان اتحاد و همگرایی میان سودان و یمن با ترکیه و امارات متحده وجود ندارد و دور از دسترس است. شرط چهارم، منافع عینی و دفع زیان مقدر و مشترک است زیرا اتحادیه‌های گوناگون به‌نحوی طراحی می‌شوند که همه اعضا از منافع مشترک بهره‌مند شوند و الا اتحاد اسلامی مبتنی بر هزینه، ناپایدار و موقتی خواهد بود.

مشاهده می‌شود که دستیابی به این اهداف در کوتاه‌مدت قابل تصور نیست؛ ولی می‌توان در این مسیر گام برداشت. حتی اعضای اتحادیه اروپا که از هر نظر بهترین شرایط را برای اتحاد دارند هنوز از پایان این راه خود اطمینانی ندارند و خروج بریتانیا نیز مؤید این نکته است.

گرچه جنایات اسرائیل در منطقه می‌تواند و می‌باید مبنایی برای اتحاد سایر کشورهای منطقه باشد؛ ولی به علل پیش‌گفته معمولاً چنین اتحادی شکل نمی‌گیرد. بنابراین، شاید چاره‌ای نباشد جز اینکه ایده‌ها و راهکارهای جدیدی را معطوف به تأمین شرایط مقدماتی لازم برای تحقق وحدت فراهم کرد. در عرصه فکری، به رسمیت شناختن دیگری، در عرصه اقتصادی، تأمین منافع مشترک و پرهیز از زبان مقدر، در عرصه سیاسی، نظامی و امنیتی، رسیدن به راهبردی حداقلی و مشترک برای تحقق آن، کافی است که کشورها در این مسیر حرکت کنند؛ اتحاد در حدی که مانع از توسعه‌طلبی دیگران شود، محقق خواهد شد. پس شرط تحقق حدی از اتحاد، توسعه و پیشرفت متوازن و پایدار، مردمی‌تر شدن حکومت‌های منطقه و در کنار همه اینها مراودات گسترده مردم و نخبگان این کشورها است.

برای تأمین تسلیحات برخوردار است. در نتیجه جنگجویان و رهبران حزب‌الله احتمالاً در برابر کارزار نظامی اسرائیل مقاومت خواهند کرد. در واقع حزب‌الله در طول این کارزار، به احتمال زیاد حملات خود را به پایگاه‌های اصلی ارتش اسرائیل و شهرک‌های اسرائیلی به‌طور منظم گسترش خواهد داد و این حملات اغلب در پاسخ به حملات اسرائیل انجام خواهد شد، چراکه اسرائیل به کارزار خود برای تضعیف قابلیت‌های حزب‌الله در جنوب لبنان ادامه خواهد داد. حزب‌الله همچنین ممکن است از سوریه برای گسترش خط مقدم حمله به بلندی‌های جولان و پیچیده‌تر کردن نقشه‌های اسرائیل برای تهاجم زمینی به جنوب لبنان استفاده کرده و حملاتی را به جولان اشغالی صورت دهد. حزب‌الله زرادخانه‌ای از پهپادها و راکت‌ها و موشک‌هایی را در اختیار دارد که برخی تعداد آنها را بین ۱۲۰ تا ۱۵۰ هزار عدد تخمین می‌زنند. در نتیجه، با وجود نزدیک به یک سال درگیری با اسرائیل، احتمالاً زرادخانه حزب‌الله همچنان برای تشدید تنش با اسرائیل از ظرفیت مناسبی برخوردار هستند.

اما مشکل اسرائیل این است که عملیاتش در جنوب لبنان را احتمالاً نمی‌تواند بدون دریافت سیگنال واضح حمایتی از سوی آمریکا آغاز کند و بعید است که دولت آمریکا قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ماه نوامبر چنین سیگنالی به اسرائیل ارسال کند. ارتش اسرائیل و کابینه جنگ اسرائیل تمایل دارند اطمینان حاصل کنند که از حمایت ایالات متحده در حمله به جنوب لبنان برخوردار خواهند بود و در صورت حمله به جنوب لبنان که نقض فاحش قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل به حساب می‌آید، واشنگتن در شورای امنیت از آنها حمایت خواهد کرد. این بدان معناست که بعید است اسرائیل تا قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به جنوب لبنان حمله کند تا از خشم کنگره و رئیس‌جمهوری که ممکن است تأمین به‌موقع حمایت‌ها از اسرائیل را به خطر بیندازد، جلوگیری کند. بعلاوه، بعید است تا قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، واشنگتن بدون اینکه اقدام تحریک‌آمیز شدیدی از سوی حزب‌الله که توجیه‌کننده حمله اسرائیل به جنوب لبنان باشد و تلفات قابل توجهی به اسرائیل تحمیل کند، چنین حمایتی از حمله زمینی اسرائیل به جنوب لبنان ارائه کند. با این حال، وقتی که انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا به پایان برسد، دست اسرائیل بازتر خواهد بود و می‌تواند از سرمایه سیاسی خود در دولت پایان‌یافته‌بایدن استفاده کند. در چنین شرایطی اسرائیل می‌تواند برای تأیید عملیات زمینی خود در جنوب لبنان در درون ساختار سیاسی آمریکا لابی کند و یا اینکه بدون حمایت صریح آمریکا چنین عملیاتی را آغاز کرده و منتظر یک دولت جدید در آمریکا باشد و دولت جدید آمریکا را در عمل انجام‌شده قرار دهد. حال اگر این دولت، دولتی به رهبری دونالد ترامپ باشد، بدیهی است که با توجه به رابطه بهتر ترامپ با نتانیاوو، دست اسرائیل بازتر نیز خواهد بود.

اسرائیل بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹ و در دوران ریاست جمهوری جورج بوش در دسامبر و ژانویه، یک عملیات ۲۱ روزه را در غزه صورت داد. این عملیات چند هفته قبل از وارد شدن باراک اوباما به کاخ سفید و درست در روزهایی انجام شد که جورج بوش قرار بود کاخ سفید را ترک کند. انتخاب این زمان خاص برای انجام عملیات کاملاً عمدی بود. اسرائیل می‌دانست که بوش نسبت به انجام این عملیات موضع نرم‌تری دارد و در عین حال در هفته‌های پایانی ریاست جمهوری اختیار چندانی هم ندارد و خوب می‌دانست که با ورود اوباما به کاخ سفید، دستش برای انجام چنین عملیات‌هایی بسته‌تر خواهد بود. هر چند جو بایدن به صراحت اعلام کرده است که مخالف تشدید تنش در لبنان است، اما اسرائیل ممکن است تصور کند که حتی اگر بایدن قدرت را به کامالا هریس واگذار کند، باز هم می‌تواند روابط خوبی با واشنگتن داشته باشد. خصوصاً اگر اسرائیل به این نتیجه برسد که می‌تواند به بسیاری از اهداف اصلی جنگ در جنوب لبنان دست پیدا کند.

انجام چنین عملیات‌هایی وادار کردن حزب‌الله به پذیرفتن یک توافق دیپلماتیک براساس شروط دیکته‌شده اسرائیل است؛ بنابراین بعید است که انجام این عملیات‌ها به معنای عدم تمایل اسرائیل به رسیدن به توافق دیپلماتیک به شکلی خاص در راستای منافع اسرائیل باشد. منطقی به نظر می‌رسد که اسرائیل رسیدن به یک راه‌حل سیاسی را در مقایسه با گشودن یک جبهه دیگر آنهم در حالیکه درگیری در غزه و تشدید عملیات‌های نظامی در کرانه باختری در جریان است، ترجیح می‌دهد. اما موضوع مهم این است که توافق مدنظر اسرائیل احتمالاً مورد قبول حزب‌الله نخواهد بود چراکه منافع حزب‌الله را تأمین نخواهد کرد.

دکترین نظامی اسرائیل در نبردها، حفاظت از نیرو را در اولویت قرار می‌دهد بنابراین بعید است که اسرائیل قبل از اینکه انجام حملات هوایی و توپخانه‌ای و عملیات‌های تروری که موقعیت و توانایی حزب‌الله را به‌طور قابل توجهی تضعیف می‌کند، به سرعت عملیات زمینی در جنوب لبنان را آغاز کند. اگر چه اسرائیل از زمان ورود حزب‌الله به جنگ غزه حملات هوایی را در مقیاس وسیع انجام داده است اما نیروی هوایی اسرائیل از بمباران لبنان، مشابه بمباران غزه قبل از تهاجم علیه خودداری کرده و در عوض بر حملات هدفمند علیه فرماندهان حزب‌الله و رهبران حماس تمرکز کرده است.

اسرائیل سه تیپ زرهی دارد که احتمالاً همگی برای تهاجم زمینی بزرگ به لبنان مورد استفاده قرار خواهند گرفت. از این میان، دو تیپ در حال حاضر در جبهه شمالی مستقر هستند، اما تا ۱۳ سپتامبر، سومین تیپ یعنی تیپ ۴۰۱ به عنوان بخشی از لشکر ۱۶۲ در غزه در حال نبرد با حماس در رفح باقی ماند. قاعدتاً قبل از حمله احتمالی به جنوب لبنان نیروهای این تیپ باید تجهیز شده و آموزش داده شوند. اسرائیل برای این کار به منابع و تسلیحات نیاز دارد. شاید به همین دلیل بود که بنیامین نتانیاوو، نخست‌وزیر اسرائیل از تصمیم دولت انگلیس برای تعلیق کمک‌های نظامی به اسرائیل به شدت انتقاد کرد.

البته نیازهای نیروی هوایی اسرائیل در غزه به طور قابل توجهی کاهش یافته است، زیرا نیروهای حماس به زیرزمین رانده شده‌اند؛ به طوری که ارتش اسرائیل اخیراً اعلام کرد که حماس به عنوان یک نیروی جنگی دیگر وجود ندارد و نیروهای باقی‌مانده حماس تهدید نظامی متعارف برای اسرائیل محسوب نمی‌شوند. اگر چه حملات هوایی اسرائیل به نوار غزه همچنان ادامه دارد اما این حملات به‌طور قابل توجهی نسبت به قبل کمتر شده است و در نتیجه دامنه عمل نیروهای هوایی اسرائیل برای انجام عملیات در لبنان وسیع‌تر خواهد شد. به طور کلی همه شواهد نشان از این دارد که اسرائیل مرحله به مرحله و با برداشتن گام‌هایی خاص، خود را برای تهاجم زمینی گسترده به لبنان آماده می‌کند.

این اقدامات و گام‌های اسرائیل البته موجب بازدارندگی حزب‌الله نخواهد شد و احتمالاً حزب‌الله با سرعت فزاینده‌تری به حملات اسرائیل پاسخ داده و شرایط امنیتی در اسرائیل را وخیم‌تر خواهد کرد. حزب‌الله انگیزه‌های سیاسی قوی برای پاسخ به حملات پیجری ۱۷ و ۱۸ سپتامبر اسرائیل و سایر عملیات‌هایی نظیر ترور فواد شکر دارد. زیرا مجبور است به اقدامات نظامی اسرائیل که از خطوط قرمز معمول درگیری عبور کرده، پاسخ دهد؛ در غیراین‌صورت تصویری ضعیف از خود به دست خواهد داد. به‌رغم قدرت نظامی متعارف اسرائیل، ساختار سیاسی نظامی حزب‌الله قادر به تحمل تلفات است و از یک کریدور زمینی به ایران

مشکل اسرائیل این است که عملیاتش در جنوب لبنان را احتمالاً نمی‌تواند بدون دریافت سیگنال واضح حمایتی از سوی آمریکا آغاز کند و بعید است که دولت آمریکا قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ماه نوامبر چنین سیگنالی به اسرائیل ارسال کند

جولوگیری از کشف محل اقامت یحیی سنوار، توانسته‌اند خود را با شرایط نظامی در غزه وفق دهند. در چنین شرایطی، حماس حتی قادر است گه‌گاه با میانجی‌های حماس در خارج از غزه ارتباط برقرار کرده و در روند مذاکرات آتش‌بس نظرات خود را اعلام کند.

در شرایط فعلی، بعید است که اسرائیل به این حملات اکتفا کند. کما اینکه پس از حملات پیجری در دو روز پیاپی، اسرائیل عملیات ترور بزرگی را نیز به انجام رساند که طی آنها بیش از ده نفر از فرماندهان ارشد حزب‌الله از جمله ابراهیم عقیل، ترور شدند. اسرائیل احتمالاً سرعت عملیات‌های خود را برای از بین بردن قابلیت‌های دفاعی حزب‌الله، از طریق انجام عملیات‌های مخفیانه، حملات هوایی و توپخانه‌ای و اقدامات تجسسی توسط نیروهایش بر روی زمین، افزایش خواهد داد تا حزب‌الله را مجبور به عقب‌نشینی از جنوب لبنان کند. اما اگر این تلاش‌های اسرائیل شکست بخورد، اسرائیل با این کار زمینه را برای تهاجم زمینی به جنوب لبنان فراهم کرده است. از آنجایی که اسرائیل قصد دارد عزم حزب‌الله را برای ادامه کمپین همبستگی با حماس تضعیف کند، از سرعت رو به افول عملیات در غزه برای استقرار نیروی هوایی و توپخانه بیشتر در جنوب لبنان با هدف تضعیف شبکه گسترده پناهگاه‌های حزب‌الله، تضعیف روحیه جنگجویان این گروه و نابودی سامانه‌های پرتاب موشک و از میان بردن توانایی حزب‌الله برای مقاومت در برابر تهاجم زمینی اسرائیل استفاده خواهد کرد. این نوع عملیات که اسرائیل در پیش گرفته است احتمالاً هفته‌ها به طول خواهد انجامید. حزب‌الله امروز، حزب‌الله سال ۲۰۰۶ نیست. توانایی‌های حزب‌الله به مراتب بیشتر شده است. بنابراین اگر اسرائیل بخواهد این توانایی‌ها را از بین ببرد و زمینه را برای تهاجم زمینی امن و موفق خود به جنوب لبنان فراهم کند، مجبور است چند هفته را صرف مهیا کردن مقدمات این تهاجم کند. یکی دیگر از دلایل زمان‌بر بودن این اقدامات این است که اسرائیل نیز مجبور است نیروی زمینی خود را در مرزهای شمالی مستقر کند بنابراین این نیروها به شدت در معرض تهاجم حزب‌الله قرار خواهند گرفت.

در اجرای این کمپین، اسرائیل احتمالاً در روزهای آینده حملات هوایی گسترده‌ای را نه تنها در لبنان، بلکه در سوریه نیز انجام خواهد داد. این حملات احتمالاً با هدف نابودی بخشی از توانایی حزب‌الله لبنان برای شلیک موشک‌های دقیق هدایت‌شونده در نزدیکی مرز لبنان و سوریه انجام خواهد شد. حملات هوایی نه‌تنها در لبنان بلکه در سوریه نیز ممکن است. اخیراً نیز در سکوت خبری، یک حمله زمینی توسط کماندوهای اسرائیلی با هدف نابودی بخشی از توانایی حزب‌الله برای شلیک موشک‌های دقیق هدایت‌شونده، در نزدیکی مرز سوریه با لبنان انجام شد. مشابه این حمله ممکن است در جنوب لبنان نیز رخ دهد اما چنین حمله‌ای به دلیل اشرف بیشتر حزب‌الله بر جنوب لبنان ممکن است با شکست مواجه شود. اما سوال این است که آیا انجام چنین عملیات‌هایی مانع از احتمال یک توافق دیپلماتیک بین حزب‌الله و اسرائیل خواهد شد؟ به نظر می‌رسد که هدف اسرائیل از